OUR IRAN

Porvazheh English - Persian Dictionary

Supervisors, translators and Diractors:

Mohammad Reza Yarahmadi and Zohreh Chegeni

Ahmad Shabani

Consular: **Manoocher Vafa'ee**

Collector of Idioms of Media: Ahmed Sha'ban

Editor: Zohreh Chegeni

سرشناسه :یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور :فرهنگ پرواژه انگلیسی - فارسی ایران ما/به سرپرستی محمدرضا یاراحمدی، زهره چگنی؛ مشاور منوچهر وفایی؛ گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری احمد شعبانی؛ ویراستار علمی زهره چگنی.
مشخصات نشر :تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :۶۵۶ ص. : جدول.
شابک :978-600-422-233-4
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت :ص.ع. به انگلیسی: Mohammad Reza Yarahmadi, Zohreh Chegeni. Porvazhe English-Persian dictionary - Our IRAN
موضوع :زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع :English language -- Dictionares -- Persian
موضوع :زبان انگلیسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع :English language --Terms and pharses -- Dictionares -- Persian
شناسه افزوده :چگنی ، زهره ، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده :وفایی، منوچهر، ۱۳۱۷-
شناسه افزوده :شعبانی، احمد، ۱۳۶۳-
رده‌بندی کنگره :۱۳۹۶ ۲ی۲ف/PE۱۶۴۵
رده‌بندی دیویی :۴۲۳فا
شماره کتابشناسی ملی :۴۷۲۴۸۵۳

نام کتاب: فرهنگ پرواژه انگلیسی – فارسی ایران ما

مؤلفین و مترجمین (سرپرستان گروه): دکتر محمدرضا یاراحمدی- زهره چگنی

ویراستار علمی: زهره چگنی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: کیمیای قلم- صحافی: فردوس

مدیر تولید: اقبال شرقی

ناظر فنی چاپ: فرهاد فراهانی

مدیر فنی و هنری: مریم آرده

تایپ و صفحه‌آرایی: سمانه توکلیان

بهاء: ۳۰۰۰۰ تومان

Website: www.DKG.ir

Telegram.me/drkhaliligroup

آموزشگاه دکتر خلیلی (دفتر مرکزی): ۶۶۵۶۸۶۲۱-۰۲۱

فروشگاه: تهران – خیابان انقلاب- روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران – پاساژ فروزنده – طبقه همکف – پلاک ۳۳۱

تلفن: ۶۶۴۸۹۳۷۵-۰۲۱ - ۶۶۴۸۹۳۴۹-۰۲۱

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب– جنب سینما پارس- مجتمع تجاری پارس – طبقه اول

مرکز فروش: ۶۶۵۶۹۲۱۶ – ۰۲۱

مدیر فروش: ۵۵۰۸۵۸۹ - ۰۹۱۲

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر گروه تألیفی دکتر خلیلی است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

A a

A BrE /eɪ/NAmE /eɪ/ (noun)
اولین حرف از حروف انگلیسی

a BrE /ə/NAmE /ə/BrE strong form /eɪ/AmE strong form /eɪ/ (also an) (indefinite article)
یک، دیگر، هر، یک شخص به نام، (قبل از اسم قابل شمارش) یکی، (قبل از اسم غیرقابل شمارش) ی (نکره)

a bad thing never dies (IDIOM)
بادمجان بم آفت نداره

a barking dog never bites (IDIOM)
سنگ بزرگ نشانه نزدن است

a big deal (IDIOM)
موضوع و مسئله بسیار مهم

a big eater (IDIOM)
پر خور (شخصی که عادت به زیاد خوردن دارد)، شکمو

a bite (to eat) (IDIOM)
غذای سبک/مختصر

a black eye (IDIOM)
بادمجان / کبودی زیر چشم (ضربه، تصادف)

a bright spark (IDIOM)
سرزنده و باهوش، با ذکاوت

a bundle (IDIOM)
پول زیاد، مبلغ زیاد، پول/ مبلغ هنگفت

a clean bill of health (IDIOM)
گواهی سلامت شخص/ صحت انجام کار

a clump of trees (IDIOM)
یک دسته درخت

a cold fish (IDIOM)
خونسرد، نجوش، سرد مزاج

a conflict of interest (IDIOM)
تضاد منافع

a creature of habit (IDIOM)
بنده عادت

A cup of tea (IDIOM)
مناسب حال و روز/ سلیقه، اوضاع و احوال

a dream come true (IDIOM)
به رویای خود رسیدن، رویای دست یافتنی

a drop in the ocean (IDIOM)
قطره‌ای در دریا، بسیار اندک و ناچیز

a far cry from (IDIOM)
تفاوت چشم‌گیر، تفاوت بسیار، بسیار متفاوت

a fighting chance
شانس/ امکان (برنده شدن/ موفقیت)

a flat refusal (IDIOM)
انکار/ رد صریح چیزی

a going concern (IDIOM)
شغل پر در آمد، کاسبی سکه، شغل نان و آب دار

a golden opportunity (IDIOM)
فرصت طلایی

a good/ great many (IDIOM)
تعداد زیادی (غیررسمی)

a good/bad influence (IDIOM)
تأثیر خوب/ بد

a hand (IDIOM)
کمک (به کسی کمک کردن)

a hatchet job (on sb/ sth) (IDIOM)
انتقاد مغرضانه

a head start (IDIOM)
امتیاز، برتری (که به موفقیت شخص کمک می‌کند)

a heavy drinker (IDIOM)
سیاه مست (کسی که مقدار زیادی الکل می‌نوشد)

a hot potato (IDIOM)
مایه (درد سر، گرفتاری)، هچل

a know-it-all (IDIOM)
همه چیز دان (کسی که فکر می‌کند همه چیز را می‌داند)، همه فن حریف، عقل کل

a laborious essay (IDIOM)
متن/ مقاله‌ی مسجّع، مقاله‌ی بسیار سخت

a lame duck (IDIOM)
از کار افتاده، بیچاره، زهوار در رفته

a leopard can't change its spots (IDIOM)
توبه گرگ مرگ است

a let-down (IDIOM)
ناامیدکننده

a little (IDIOM)
کم (مقدار، حداقل از چیزی)، کمی، مدت کوتاهی

a little bit (IDIOM)
حدوداً، نسبتاً، تاحدودی (غیررسمی)

A little rest might ease your mind a bit (IDIOM)
یکم استراحت سر حالت میاره

a live wire (IDIOM)
مجلس گرم کن، آتیش پاره، پرانرژی

a long shot (IDIOM)
احتمال کم برای کامیابی

a lost cause (IDIOM)
شانس کم، احتمال ضعیف

a lot (IDIOM)
زیاد، تعداد زیادی (غیررسمی)

a low blow (IDIOM)
ناامیدی بزرگ

a man/ woman of his/her word (IDIOM)
خوش قول

a meeting of minds (IDIOM)
توافق، تفاهم

a nasty piece of work (IDIOM)
لاابالی، شخص غیرقابل اطمینان

a nervous wreck (IDIOM)
بی قرار، بیمناک

a nest of birds (IDIOM)
یک دسته پرنده

a new broom sweeps clean (IDIOM)
نو که اومد به بازار، کهنه می‌شه دل آزار

a number of (IDIOM)
چند تا، بسیاری، تعداد زیادی

a pack of lies (IDIOM)
یک مشت دروغ، داستان ساختگی

a pat on the back (IDIOM)
جایزه دادن، تشویق کردن

a penny for your thoughts (IDIOM)
می‌خوام بدونم تو چی فکر می‌کنی

a piece of cake (IDIOM)
مثل آب خوردن

a practical joke (IDIOM)
شوخی خرکی، (شوخی کردن)، اسکل کردن

a quick study (IDIOM)
شخص زودگیر، کسی که سریع همه چیز را یاد می‌گیرد، شخص تیزفهم

a recipe for disaster (IDIOM)
این راه که میروی به ترکستان است

a rip-off (IDIOM)
گوش بری (کلاه برداری)

a roaring success (IDIOM)
موفقیت (چشم گیر/ شایان توجه)

a rolling stone gathers no moss (IDIOM)
که بر سنگ غلتان نروید نبات، آب در هاونگ کوبیدن

a running battle (IDIOM)
این رشته سر دراز دارد، حالا حالاها ادامه داشتن

a shortcut (IDIOM)
راه میان بر

a shot in the arm (IDIOM)
انرژی زا، محرک، دلگرمی، تلنگر (غیررسمی)

a shoulder to cry on (IDIOM)
سنگ صبور

a sign of the times (IDIOM)
رسوای عالم، رسوای زمانه

a single tear rolls down my check (IDIOM)
اشکم سرازیر شد

a soft touch (IDIOM)
دست و دل باز، بخشنده

a sore point (IDIOM)
نقطه ضعف

a sort of (IDIOM)
تاحدودی، بفهمی، نفهمی، بگی نگی، به اصطلاح

a square meal (IDIOM)
یک (نهار، شام، صبحانه) حسابی

a steal (IDIOM)
مفت، خیلی ارزان

a step/move up gear (IDIOM)
بکوب کار کردن، کار کردن ۲۴ ساعته

a storm in a teacup (IDIOM)
نگرانی بی‌خود و بی‌جهت

a succession of sth (IDIOM)
یک (سری/ ردیف) از چیزی

a thing of a beauty is a joy forever (IDIOM)
زیبایی جاودانه است

a thing of the past (IDIOM)
غیر متداول، مربوط به گذشته، نارایج

a tuft of hair (IDIOM)
یک دسته مو

a U-turn (IDIOM)
صد و هشتاد درجه نظر کسی عوض شدن/ برگشتن، تغییر نظر و عقیده دادن

a vicious circle (IDIOM)
دور باطل

a way of life/ sb's way of life (IDIOM)
راه و روش زندگانی (کسی)

a white elephant (IDIOM)
چیز پرهزینه و بی‌فایده، آفتابه خرج لحیم

a white lie (IDIOM)
دروغ مصلحتی

a whole new you (IDIOM)
نو نوار شدی

a worm will turn (IDIOM)
نترس از آن که های و هوی دارد

a yes-man (IDIOM)
بله قربان‌گو، غلام حلقه به گوش، گوش به فرمان

a.m. /ˌeɪ ˈɛm/ (abbr.) = A.M.
زمان بین نصف شب و ظهر

a/ the happy medium (IDIOM)
نه سیخ بسوزد نه کباب، سیستم برنده برنده، مطبوع و دلخواه همه، بازی دو سر برد

a/ the seal of approval (IDIOM)
مهر تایید

abaft /əˈbæft/ (adv.)
به طرف عقب، عقب‌گرد

abandon /əˈbændən/ (noun, AWL)
بی‌خیالی (رسمی)

abandon /əˈbændən/ (verb, AWL)
کسی را به حال خود گذاشتن/ رها کردن، ترک کردن، محروم کردن از حمایت، قطع کردن کمک (به کسی/ چیزی)، رها کردن (چیزی)، کاری را نیمه کاره رها کردن، کاری را واگذار کردن

abandoned /əˈbændənd/ (adj., AWL)
متروکه، رها شده

abandonment /əˈbændənmənt/ (noun, AWL)
رهاسازی/ ترک، انصراف/ تسلیم

abate /əˈbeɪt/ (verb)
فرو کش کردن، کم شدن

abatement /əˈbeɪtmənt/ (noun)
فروکش، رفع، تخفیف، تنزل

abbess /ˈæbes/ (noun)
رئیسه صومعه زنان تارک دنیا

abbey /ˈæbi/ (noun)
صومعه، دیر، خانقاه

abbot /ˈæbət/ (noun)
راهب بزرگ، رئیس راهبان، بزرگ راهبان

abbreviate /əˈbriːvieɪt/ (verb)
به اختصار نوشتن، مختصر نوشتن، خلاصه نوشتن

abbreviation /əˌbriːviˈeɪʃn/ (noun)
اختصارنویسی، اختصاری، اختصار، خلاصه نویسی

abdomen /ˈæbdəmən/ (noun)
شکم (تکنیکی، رسمی)

abduct /æbˈdʌkt/ (verb)
دزدیدن، ربودن (آدم)

abduction /æbˈdʌkʃn/ (noun)
آدم ربایی، آدم دزدی

abductor /æbˈdʌktər/ (adj.)
آدم ربا

abhor /əbˈhɔːr/ (verb)
نفرت/ تنفر داشتن

abhorrence /əbˈhɔːrəns/ /əbˈhɑːrəns/ (noun)
انزجار، تنفر، بیزاری

abhorrent /əbˈhɔːrənt/ /əbˈhɑːrənt/ (adj.)
منزجر کننده

abide by sth (PHRV)
(پیروی/ اطاعت) کردن (از قانون، تصمیم یا دستورالعمل)

ability/əˈbɪlətɪ/ (noun)
توانایی، استعداد

abject /ˈæbdʒekt/ (noun)
تبعه، ذلیل، سرافکنده، پست، خوار

abject lesson (IDIOM)
به در بگو که دیوار بشنوه

able /ˈeɪbl/ (adj.)
توانا، لایق، با استعداد، توانمند، ماهر

able seamen (noun)
مهناوی دوم

able-bodied seaman
ملوان

ablutions /əˈbluːʃnz/ (noun)
شستشو، وضو، غسل

abnormal /æbˈnɔrml/ (adj., AWL)
غیرعادی، نامعمول، نابهنجار

abnormally /məli/ (adv., AWL)
به طور غیرعادی، نابهنجاری

aboard /əˈbɔːrd/ (adv.)
روی کشتی

abolition /ˌæbəˈlɪʃn/ (noun)
لغو، برچیدن، از میان برداری

aborigine /ˌæbəˈrɪdʒəni/ (noun)
ساکن اولیه یک ناحیه، بومی

abort /əˈbɔːrt/ (verb)
نارس به دنیا آوردن، سقط کردن، بچه انداختن، بی‌نتیجه ماندن

abortion /əˈbɔːrʃn/ (noun)
سقط جنین، بچه اندازی

abortive /əˈbɔːrtɪv/ (adj.)
سقط شده، بی‌ثمر، بی‌حاصل

about /əˈbaʊt/ (adv.)
کم و بیش، تقریباً، در جهت مخالف، خلاف جهت(تکنیکی و رسمی)، حوالی، حول و حوش، پیرامون، نزدیک به

about /əˈbaʊt/ (prep.)
درباره‌ی، در مورد، مشغول، سرگرم، در حال انجام کاری، حوالی، حول و حوش

above – mentioned (IDIOM)
همان‌طور که ذکر شد

above /əˈbʌv/ (prep.)
بالای، بالاتر از، برتر/ مهم تر از چیزی/ کسی، بیش‌تر از

above /əˈbʌv/ (adj.)
ذکر شده (در بالای نوشته یا صفحه پیشین)

above /əˈbʌv/ (adv.)
بالایی، بیش از

above all (IDIOM)
بالاتر از همه

above board (IDIOM)
کاری که به صورت درست و قانونی انجام شده

above oneself (IDIOM)
بالاتر از همه، بسیار هیجان زده

aboveboard (IDIOM)
بی غل و غش، بی‌شیله پیله

abrasion /əˈbreɪʒn/ (noun)
سایش، خراش (پوست بدن)

abrasive /əˈbreɪsɪv/ (noun)
ساینده، فرسایش‌گر

absolve /əbˈzɑːlv/ (verb)
رفع اتهام کردن، بخشیدن

absorb /əbˈsɔrb; əbˈzɔrb/ (verb)
جذب کردن، در خود حل کردن، فرا گرفتن چیزی، مجذوب کردن کسی

absorbent /əbˈsɔːrbənt/ (noun)
مجذوب کننده، جاذب، نم گیر، عامل جذب

absorbing /əbˈsɔːrbɪŋ /əbˈzɔːrbɪŋ/ (adj.)
جذاب

absorption /əbˈsɔːrpʃn /əbˈzɔːrpʃn/ (noun)
جذب، شیفتگی، مجذوب شدگی

abstemious /əbˈstiːmiəs/ (adj.)
میانه رو، اعتدال گرا

abstract /əbˈstrækt; æb;ˈæbstrækt/(adjective, AWL)
کلی/ انتزاعی، ناملموس، غیرقابل لمس

abstract /ˈæbstrækt/ (verb, AWL)
برداشتن/ رفع کردن، به جای دیگر بردن/ خلاصه کردن، جدا کردن، تجزیه کردن (نمک از آب دریا)

abstract /ˈæbstrækt/ (noun, AWL)
هنر آبستره خلاصه، چکیده

abstraction /əbˈstrækʃn; æb/ (noun, AWL)
انتزاع، حواس پرتی/ بی‌حواسی

abstractly /BrE ˈæbstræktli; NAmE ˈæbstræktli/ adv., AWL)
به طور انتزاعی

abstruse /əbˈstruːs/ /æbˈstruːs/ (adj.)
پیچیده، مرموز، اسرارآمیز

absurd /əbˈsɜːrd/ (adj.)
بی معنی، مضحک

absurdity /əbˈsɜːrdəti/ (noun)
بی مفهومی، پوچی

abundance /əˈbʌndəns/ (noun)
فراوانی

abridg(e)ment /əˈbrɪdʒmənt/ (noun)
خلاصه

abridge /əˈbrɪdʒ/ (verb)
خلاصه کردن، کوتاه کردن

abridged/compact negotiation (IDIOM)
مذاکرات فشرده و کوتاه مدت

abroad /əˈbrɔd/ (adv.)
خارج (در کشور دیگر زندگی کردن)، شایع، فراگیر، خارج از(قدیمی)، بیرون

abscess /ˈæbses/ (noun)
دنبل، ورم چرکی

abscond /əbˈskɑːnd/ (verb)
فرار کردن ناگهانی و پنهانی (از جایی به خاطر اشتباهی که کسی انجام داده)

absence /ˈæbsəns/ (noun)
غیبت، نبودن، فقدان

absence makes the heart grow fonder (IDIOM)
جدایی تا نیفتد، دوست قدر دوست کی داند

absent /ˈæbsənt/ (adj.)
غیبت، عدم حضور/ وجود، حواس پرتی، گیجی

absent /æbˈsɛnt/ (verb)
غایب بودن، حضور نداشتن

absent- minded (adj.)
حواس پرت

absentee /ˌæbsənˈtiː/ (noun)
فرد غایب

absolute /ˈæbsəˌlut; ˌæbsəˈlut/ (adj.)
کامل، مطلق، مسلم، قطعی، نامحدود، بی‌حد و مرز

absolute /ˈæbsəˌlut; ˌæbsəˈlut/(noun)
قطعی، بی‌قید و شرط، مطلق

absolutely /ˈæbsəˌlutli; ˌæbsəˈlutli/ (adv.)
یقینا،به‌طورقطع،مسلماً،به‌شدت(باصفت یافعل به‌کارمی رود،برای نشان دادن احساسات شدید)، برای نشان دادن تاکید بر موافقت با کسی در انجام کاری به کارمی رود (صد در صد)، کاملاً

absolution /ˌæbsəˈluːʃn/ (noun)
بخشایش

abundant /əˈbʌndənt/ (adj.)
فراوان

abundantly /əˈbʌndəntli/ (adv.)
به فراوانی

abuse /əˈbyus/ (noun)
استفاده نابه‌جا/ نادرست، رفتار غیرمنصفانه، فحش، ناسزا، توهین، نامربوط (حرف)، بی‌حرمتی

abuse /əˈbyuz/ (verb)
سوءاستفاده کردن، استفاده نادرست کردن، تجاوز جنسی به کسی کردن، بد رفتاری کردن با کسی/ چیزی، به کسی توهین کردن، ناسزا گفتن، بد به کار بردن

abuser /əˈbju:zər/ (noun)
سوء استفاده‌گر

abusive /əˈbju:sɪv/ (adj.)
توهین آمیز، بدزبان، فحاش

abysmal /əˈbɪzməl/ (adj.)
بسیار بد(در کار، کیفیت و ...)

abyss /əˈbɪs/ (noun)
گودال خیلی عمیق، ژرف، ژرفا، عمق، نهایت

academia /ˌækəˈdimiə/ (noun, AWL)
دانشگاه، مدرسه عالی، فرهنگستان علم، دنیای علم (جهان دانش، آموزش و علم و صنعت و تمامی افرادی که در آن مشغول فعالیت هستند)

academic /ˌækəˈdɛmɪk/(noun)
مدرسه، دانشگاه

academic /ˌækəˈdɛmɪk/ (adj.)
آموزشی، نظری، نامربوط/ بی‌اهمیت (به جهت غیر کاربردی بودن آن)، دانشگاهی، تئوری

academically /kli/ (adv.)
به طور آموزشی، از نظر آموزشی

academy /əˈkædəmi/ (noun)
دانشگاه،مدرسه،آموزشگاه عالی،مؤسسه،مکتب،کانون،دانشکده

accelerate /əkˈseləreɪt/ (verb)
سریعتر حرکت کردن، سرعت بخشیدن

acceleration /əkˌseləˈreɪʃn/ (noun)
تسریع

accent /ˈæksɛnt; ækˈsɛnt/ (verb)
تأکید کردن، برجسته کردن، تکیه کردن

accent /ˈæksɛnt/ (noun)
لهجه، تأکید، تکیه (در لغت)، لحن، علامت، قوت، تشدید

accentuate /əkˈsentʃueɪt/ (verb)
قوی تلفظ کردن، اهمیت دادن

accentuation /əkˌsentʃuˈeɪʃn/ (noun)
تاکید

accept /əkˈsɛpt/ (verb)
موافقت کردن، پذیرفتن (رسمی) قبول کردن، پذیرفتن، قبول داشتن، پسندیدن(رسمی)،

acceptability/əkˌsɛptəˈbɪləţi/ (noun)
پسندیدگی، شایستگی، مقبولیت، پذیرش

acceptable /əkˈsɛptəbl/ (adj.)
قابل قبول/مورد قبول، پذیرفتنی

acceptably /əkˈsɛptəbli/ (adv.)
به طور قابل قبول، در حد قابل قبول

acceptance /əkˈseptəns/ (noun)
پذیرش، قبولی، موافقت، توافق(تجاری)

access /ˈæksɛs/ (verb, AWL)
دست یافتن، راه پیدا کردن

access/ˈæksɛs/ (noun, AWL)
راه، دسترسی، ورودی مدخل

accessibility /əkˌsɛsəˈbɪləţi/ (noun, AWL)
دسترسی، امکان دسترس

accessible /əkˈsɛsəbl/ (adj.)
قابل رویت/ قابل دسترس/ دست‌یافتنی، قابل درک و فهم/ روشن و واضح

accessory /əkˈsesəri/ (noun)
متعلقات(وسایل جانبی،مثل،کفش،کیف،چترو...،مربوط به‌زنان)

accident /ˈæksədənt; ˌdɛnt/ (noun)
تصادف، سانحه، پیشامد

accident waiting to happen (IDIOM)
حادثه خبر نمی‌دهد، حادثه همه جا در کمین است.

accidental /ˌæksəˈdɛntl/ (adj.)
تصادفی، غیرمترقبه، شانسی

accidentally /ˈdɛntli; ˈdɛntl•i/ (adv.)
برحسب تصادف، به طور اتفاقی، تصادفاً

accidents will happen (IDIOM)
جلوی اتفاقات رو نمی شود گرفت

acclaim /əˈkleɪm/ (verb)
ستودن، تحسین کردن، تجلیل کردن

acclimatize /əˈklaɪmətaɪz/ (verb)
خوگرفتن/ دادن، (به منطقه آب و هوایی جدید)، عادت کردن

accommodate /əˈkɑməˌdeɪt/ (verb, AWL)
(جا و مکان خواب) مهیا کردن/ فراهم کردن/ منزل دادن، فضای کافی فراهم کردن

accommodating /əˈkɑməˌdeɪtɪŋ/ (adj., AWL)
مهربان، نیکوکار، بخشنده، خوش‌برخورد

accommodation /əˌkɑməˈdeɪʃn/ (noun, AWL)
اقامتگاه/ محل اقامت، محل زندگی، اتاق با غذا در هتل، محل سکونت، موافقت/ سازش/ توافق

accompaniment /əˈkʌmpənɪmənt/ (noun, AWL)
(آهنگ و ساز همراهی‌کننده) همراهی/ سازش/ همسازی، همنوازی (در نواختن موسیقی)

accompanist /əˈkʌmpənɪst/(noun)
نوازنده همراهی کننده، همنواز (در موسیقی)

accompany /əˈkʌmpəni/ (verb, AWL)
همراهی کردن، ضمیمه کردن، اتفاق افتادن با چیز دیگر، همنوایی کردن با آلات موسیقی(پیانو)، توأم کردن

accomplice /əˈkɑːmplɪs/ (noun)
شریک جرم، شریک در کار خطا؛ همدست

accomplish /əˈkɑːmplɪʃ/ (verb)
به موفقیت نائل شدن

accomplished /əˈkɑːmplɪʃt/ (adj.)
مستعد، ماهر

accomplishment (noun) /əˈkɑːmplɪʃmənt/
توانایی، مهارت، دستیابی

accord /əˈkɔːrd/ (verb)
تقدیم کردن/ بخشیدن، موافق بودن، جور درآمدن، مطابق بودن

accordance /əˈkɔːrdns/ (noun)
توافق، سازگاری، هماهنگی، مطابقت

according to /əˈkɔrdɪŋ tə/ (prep.)
به قول (طبق گفته‌ی)، طبق نظر، مطابق با نظر، بسته به، با پیروی از

accordingly /əˈkɔːrdɪŋli/ (adv.)
بنابراین با این تفاسیر، بدین طریق، بدین ترتیب

account /əˈkaʊnt/ (noun)
حساب بانکی، صورت حساب، حساب (دریافت و پرداخت)، گزارش، شرح

account /əˈkaʊnt/ (verb)
به حساب آوردن

account for (PHRV)
تشریح کردن، توجیه کردن، توضیح دادن، تشکیل دادن، برای چیزی دلیل داشتن، حساب پس دادن (پول)، فائق شدن، غلبه کردن بر کسی/ چیزی

account for sth (to sb)(PHRV)
حساب دخل و خرج را داشتن

account for sth (PHRV)
توضیح دادن/ شرح دادن، دلیل موجه آوردن، دلیل آوردن

accountable /əˈkaʊntəbl/ (adj.)
پاسخگو، مسئول

accountancy /əˈkaʊntənsi/ (noun)
حسابداری

accountant /əˈkaʊntənt/ (noun)
حسابدار

accumulate /əˈkjuːmjəleɪt/ (verb)
(به تدریج) جمع شدن، انباشته شدن (به تدریج) زیاد شدن، افزایش یافتن

accumulation /əˌkyumyəˈleɪʃn/ (noun)
افزایش، انباشت، ذخیره

accuracy /ˈækyərəsi/ (noun)
درستی، صحت و سقم

accurate /ˈækyərət/ (adj.)
صحیح، پرتاب دقیق، درست، دقیق

accurately/ˈækjərətli/(adv.)
به طور دقیق، دقیقاً

accusation /ˌækjuˈzeɪʃn/(noun)
اتهام، تهمت

accuse /əˈkyuz/ (verb)
متهم کردن، مقصر دانستن

accused /əˈkju:zd/ (noun)
متهم

accuser (noun) /əˈkju:zər/
متهم کننده، دادخواه

accustom /əˈkʌstəm/ (verb)
سازگار کردن، عادت کردن

ace /eɪs/ (noun)
تک خال، آس

ace sb out (PHRV)
کسی را بردن، بر کسی غلبه کردن

ache /eɪk/ (noun)
درد (ناتوان کننده)

ache /eɪk/ (verb)
درد کردن (مدام)

achievable /əˈʧiːvəbl/ (adj., AWL)
قابل دستیابی/تحقق‌پذیر

achieve /əˈʧiːv/ (verb, AWL)
با موفقیت کاری را به پایان رساندن، دست یافتن، موفق بودن

achievement /əˈʧiːvmənt/ (noun, AWL)
موفقیت، دستیابی، پیروزی

aching /ˈeɪkɪŋ/ (adj.)
دردناک

acid /ˈæsɪd/ (adj.)
ترشی/تندی، اسیدی، (برای شخص) نامهربان و تند تیز، بد اخلاق

acid /ˈæsɪd/ (noun)
اسید

acid test (noun)
بوته آزمایش، تست صلاحیت و کیفیت

acidity /əˈsɪdəti/ (noun)
ترش

acknowledge /əkˈnɑlɪdʒ/ (verb, AWL)
حقیقت را پذیرفتن، قبول داشتن/ پذیرفتن، جواب دادن به چیزی، اعلام دریافت/وصول کردن چیزی، به چیزی توجه کردن، (با لبخند) قدردانی کردن، تایید کردن(چیزی که از کسی گرفته می‌شود)، نشان دادن، شناختن کسی با لبخند یا دست تکان دادن

acknowledged (adj., AWL)
پذیرفته شده

acknowledgement /əkˈnɑlɪdʒmənt/ (noun, AWL)
قبول/تصدیق، تشکر، (رسمی)تصدی، سپاس گزاری

acne /ˈækni/ (noun)
آکنه

acorn /ˈeɪkɔ:rn/ (noun)
فندق

acquaint with (PHRV)
کسی را با چیزی آشنا کردن

acquaintance /əˈkweɪntəns/ (noun)
آشنا (با کسی)، آگاهی/ اطلاع (از کس/ چیز)

acquaintanceship /əkweɪntənsʃɪp/ (noun)
آشنایی (دانش و شناخت جزئی از کس یا چیز)

acquiesce /ˌækwiˈes/ (verb)
(رسمی) تن در دادن، تسلیم شدن (علی رغم میل)

acquiescence /ˌækwiˈesns/ (noun)
تسلیم

acquire /əˈkwaɪər/ (verb, AWL)
به دست آوردن، حاصل کردن / دست پیدا کردن، کسب کردن/ صاحب شدن/ دانش اندوختن

acquire a taste of sth (PHRV)
رفته رفته از مزه‌ی چیزی خوش آمدن

acquisitio /ˌækwəˈzɪʃn/ (noun, AWL)
اکتساب/فراگیری، چیز اضافه شده، کسب، دستاورد، چیز خریداری شده

acquit /əˈkwɪt/ (verb)
تبرئه کردن

acquittal /əˈkwɪtl/ (noun)
تبرئه، برائت

acrid /ˈækrɪd/ (adj.)
مزه گس، تند و تلخ،(تند) بد اخلاق

acrobat /ˈækrəbæt/ (noun)
بند باز

acronym /ˈækrənɪm/ (noun)
کلمه‌ای که از حروف اول چند کلمه ساخته می‌شود

across /əˈkrɒs/ (prep.)
سرتاسر، از این طرف به آن طرف، در طرف دیگر چیزی، نسبت به قسمتی از بدن، بخشی از (گروه، مردم)

across /əˈkrɒs/(adv.)
از این طرف به آن طرف، به طرف، از طرفِ، روبروی، در برابر، نوشتن از یک طرف به طرف دیگر، از این سو به آن سو، سرتاسر

act /ækt/ (noun)
عمل، کار، لایحه/ قانون، تظاهر، ادا، ایفای نقش در سیرک تئاتر و ...

act /ækt/ (verb)
عمل کردن، رفتار کردن، تظاهر کردن، وانمود کردن، بازی کردن در نمایش/ فیلم، نمایش دادن/ انجام دادن، با عنوانی خاص/ در مقامی کار انجام دادن

act around sb (PHRV)
به ساز کسی رقصیدن

act for /on behalf of sb (PHRV)
وکالت کسی را قبول کردن

act on/ upon sth (PHRV)
براساس چیزی کاری را انجام دادن، در نتیجه تصمیم نصیحت یا اطلاعاتی کاری را انجام دادن، آگاهانه اقدام کردن

act sth ↔ out (PHRV)
اجرا شدن (مراسم/ نمایش)، نقش بازی کردن/ رُل بازی کردن (در شرایط واقعی)

act up (PHRV)
شیطنت کردن/ خودسری کردن، مشکل داشتن/ درست کار نکردن/ روبه راه نبودن

act upon sth (PHRV)
چیزی را (به کار بستن/ اجرا کردن)

act your age (IDIOM)
اندازه سنت عمل/ رفتار کن

acting /ˈæktɪŋ/ (noun)
هنر نمایش دادن یک کاراکتر، بازیگری تئاتر و سینما

acting Sub-lieutenant (noun)
ناوبان دوم موقت

action /ˈækʃn/ (noun)
رفتار، کنش، عمل، اقدام، حرکت (به منظور دعوا)، عملیات، حمله، عملیات در جنگ

actions speak louder than words (IDIOM)
به عمل کار برآید، دوصد گفته نیم کردار نیست

active /ˈæktɪv/ (adj.)
فعال،پرجنب‌وجوش،حاضربه‌خدمت،کاری،موثر،پویا،پرانرژی

active /ˈæktɪv/ (noun)
حالت فاعلی بودن جمله (جمله معلوم)

actively /æktɪvli/ (adv.)
فعالانه/ به طور فعال

activist /ˈæktəvɪst/ (noun)
فعال (سیاسی/ اجتماعی)

activity/ ækˈtɪvəti/ (noun)
فعالیت/ سرگرمی

actor/ˈæktər/ (noun)
بازیگر/ هنرپیشه مرد

actress/ˈæktrəs/ (noun)
بازیگر/ هنرپیشه زن

actual /ˈæktʃuəl; ˈækʃuəl/ (adj.)
واقعی/ حقیقی، اصلی/ عمده/ مهم

actuality /ˌæktʃuˈæləti/ (noun)
واقعیت،حقیقت

actually /ˈæktʃuəli; ˈæktʃəli; ˈækʃəli/ (adv.)
به طور واقعی/ واقعاً، در واقع/ در حقیقت، به درستی، حقیقتا

actuate /ˈæktʃueɪt/ (verb)
به حرکت درآوردن، روشن کردن (وسیله)، به کار انداختن، سوق دادن، انگیختن

شماره تماس با نمایندگی‌های فعال و رسمی
گروه تألیفی دکتر خلیلی

تبریز (خانم عاصمی‌زاده) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۷
کرمانشاه (آقای ابراهیمی) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۸
قزوین (خانم پورامین) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۴۹
اصفهان (آقای کیانی) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۰
کرمان (آقای رجعتی) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۱
شیراز (آقای فروردین – خانم هوشمندی) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۲
رشت (خانم دکتر خدایاری) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۳
اهواز (آقای رضازاده) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۴
همدان (آقای سوری) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۵
مشهد (آقای عتباتی) ۰۹۱۹۵۷۳۰۱۵۶
جیرفت (خانم محمدی) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۰
ارومیه (آقای محمدی) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۱
سنندج (آقای محمدی) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۲
یزد (خانم آزاد) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۳
زاهدان (سراوانی) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۵
گرگان (آقای مختاری) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۷
اردبیل (خانم عاصمی‌زاده) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۸
شهرکرد (خانم تقی‌پور) ۰۹۱۹۹۱۰۱۲۴۹
ساری (آقای دکتر اکبری) ۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۴
قم (خانم امینی) ۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۵
کرج (آقای دکتر علیرضاپور) ۰۹۱۹۷۷۸۱۹۴۷
زنجان (خانم هوشیار) ۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۱
شاهرود (آقای واعظی) ۰۹۱۹۵۷۳۳۱۷۸
اراک (دفتر مرکزی) ۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۳
بم (خانم محمدی) ۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۷
خرم آباد (آقای دریکوندی) ۰۹۱۹۲۷۰۵۸۷۸
آبادان (آقای قوام‌پور) ۰۹۱۹۶۲۶۱۲۴۹
سبزوار (خانم نیک‌سپهر) ۰۹۳۵۹۵۳۹۲۶۲

بجنورد (آقای دکتر نظری) ۰۹۱۹۶۳۲۱۸۵۲
ایذه (آقای داوودی) ۰۹۱۹۶۸۵۳۴۰۵
دزفول (آقای بقامفرد) ۰۹۱۹۶۲۸۷۱۶۸
بروجرد (آقای پیرهادی) ۰۹۱۹۶۸۵۳۱۱۶
رفسنجان (خانم استادحسنی) ۰۹۱۹۶۸۲۹۲۸۰
کازرون (آقای صادق‌زاده) ۰۹۱۹۵۳۷۱۹۶۰
شیروان – قوچان (آقای حسین‌زاده) ۰۹۱۹۵۳۷۱۸۹۰
یاسوج (آقای بهنام مقدم) ۰۹۱۹۶۳۵۱۸۵۳
بندرعباس (آقای کریمی) ۰۹۱۹۷۲۸۱۹۵۲
سیرجان (خانم صادقی) ۰۹۱۹۵۳۹۶۰۸۲
نیشابور (خانم برزنونی) ۰۹۱۹۶۳۵۰۷۶۸
دامغان (آقای رحمتی) ۰۹۱۹۸۸۲۷۸۸۱
سقز (خانم غفوری) ۰۹۱۹۵۳۲۷۳۷۱
کاشان (آقای صادقی) ۰۹۰۱۳۷۳۷۸۹۸
جهرم (آقای یاعلی‌جهرمی) ۰۹۱۷۷۹۱۱۶۶۲
بیرجند (آقای بهروان) ۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۳
الشتر (خانم ندری) ۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۶
سمنان (آقای رحمتی) ۰۹۱۹۸۸۲۷۸۸۱
ایلام (خانم ادیب‌نژاد) ۰۹۱۸۲۳۸۹۳۷۳
آباده (خانم خسروی) ۰۹۱۹۵۹۰۷۲۰۴
نجف‌آباد (آقای ابوطالبی) ۰۹۱۹۷۲۸۱۹۳۴
بوشهر (آقای محمدنژاد) ۰۹۱۹۵۷۳۳۱۷۵



با سپاس از

حضرت فردوسی کبیر، پدر واژه نویسی ایران

درباره فرهنگ پرواژه انگلیسی- فارسی ایران ما

خوانندگان گرانقدر بدانند:

روند تحلیل معنایی واژگان در نظام ساختاری زبان، بر اساس علم واژه شناسی، معنا را در چند سطح برای استفاده از هر کلمه قرار می‌دهد که شامل تعریف، بسط تخصصی معنایی، مهم‌ترین معانی، اصطلاحات ساخته شده از آن کلمه و واژگان هم خانواده یا متضاد آن می‌شود. فرهنگ لغت دوزبانه حاضر سعی کرده که مهم‌ترین معنی واژه‌ها، به همراه اصطلاحات مهم و مرتبط با آن واژه را در خود جای دهد.

در راستای هدف گروه ایران ما در زمینه تحقیق، تالیف و پژوهش در امر فرهنگ واژه نامه نویسی، کتاب حاضر گامی ویژه به سوی ساختارهای پیچیده‌تری از تطبیق دو زبان انگلیسی و فارسی برداشته است. به این معنی که اصطلاحات در این فرهنگ نقش اصلی را دارا است. فرهنگ لغت حاضر علاوه بر ساخت‌های نحوی اسمی، فعلی، قیدی، صفتی و عبارات و اصطلاحات فعلی، دارای ترکیبات و ساختارهای اصطلاحی نیز است.

این ترکیبات و ساختارها شامل عبارات و اصطلاحات عامیانه و روزمره، ضرب المثل‌ها، گروه‌های اسمی، قیدی و صفتی می‌شود، که در هر زبانی بنا به طبیعت آن اصطلاحاتی را می‌سازد که برای زبان مبدا و مقصد دارای معنا و مفهوم خاص خواهد بود. لازم به ذکر است که بسیاری از این اصطلاحات به صورت جمله و در قالب مثال ذکر شده‌اند که خوانندگان بتواند کاربرد و معنای معادل آن را در زبان انگلیسی و فارسی بهتر و بیش‌تر درک کند.

زهره چگنی

تقدیم به

قلبی که هر ضربه آن امید ادامه زندگی من است و تقدیم به آن‌هایی که قدر وجود خوب‌ها را می‌دانند.

زهره چگنی

ما عشقِ مشترک داشتیم: ایران
ما حرفه ی مشترک داشتیم: باور کردن شعورمان.
ما هدف مشترک داشتیم: آفرینشِ یک اثرِ هنری از زندگی توامان.
در سالیان کوتاه، ولی خوشبختَ زندگیَ مشترک مان، تحمل کردن با او بود و سالیان زندگی بی‌او، با من.

ایران درّودی

سرپرست ویراستاران

محمدرضا یاراحمدی– زهره چگنی

مشاور

استاد منوچهر وفایی

گردآوردی بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری

احمد شعبانی (مهندس برق الکترونیک، مدرس زبان انگلیسی)

همکاران مقطعی بخش ویراستاری عمومی

سمیرا پارسا (کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی)
زینب دارابی (کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی)

همکاران مقطعی بخش ترجمه

عاطفه چهارلنگ (کارشناس مترجمی زبان انگلیسی)
آزاده گودرزی (کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی)

نمونه خوانان

حمیدرضا کاظمیان حیدری (دانشجوی برق)

ناظر بازبینی نمونه خوانی

محدثه مسیبیان (دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی)
آذرمیدخت چگنی (کارشناس ارشد معماری)

سرشناسه :یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور :فرهنگ پرواژه انگلیسی-فارسی ایران ما/به سرپرستی محمدرضا یاراحمدی، زهره چگنی؛ مشاور منوچهر وفایی؛ گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری احمد شعبانی؛ ویراستار علمی زهره چگنی.
مشخصات نشر :تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :۶۵۶ ص. : جدول.
شابک :978-600-422-233-4
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت :ص.ع. به انگلیسی: Mohammad Reza Yarahmadi, Zohreh Chegeni. Porvazhe English-Persian dictionary - Our IRAN
موضوع :زبان انگلیسی -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع :English language -- Dictionares -- Persian
موضوع :زبان انگلیسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع :English language --Terms and pharses -- Dictionares -- Persian
شناسه افزوده :چگنی ، زهره ، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده :وفایی، منوچهر، ۱۳۱۷-
شناسه افزوده :شعبانی، احمد، ۱۳۶۳-
رده‌بندی کنگره :PE۱۶۴۵/ف۲ی۲ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی :۴۲۳فا
شماره کتابشناسی ملی :۴۷۲۴۸۵۳

نام کتاب: فرهنگ پرواژه انگلیسی – فارسی ایران ما

مؤلفین و مترجمین (سرپرستان گروه): دکتر محمدرضا یاراحمدی- زهره چگنی

ویراستار علمی: زهره چگنی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: کیمیای قلم- صحافی: فردوس

مدیر تولید: اقبال شرقی

ناظر فنی چاپ: فرهاد فراهانی

مدیر فنی و هنری: مریم آرده

تایپ و صفحه‌آرایی: سمانه توکلیان

بهاء: ۳۰۰۰۰ تومان

Website: www.DKG.ir

Telegram.me/drkhaliligroup

آموزشگاه دکتر خلیلی (دفتر مرکزی): ۶۶۵۶۸۶۲۱-۰۲۱

فروشگاه: تهران – خیابان انقلاب- روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران – پاساژ فروزنده – طبقه همکف – پلاک ۳۳۱

تلفن: ۶۶۴۸۹۳۷۵-۰۲۱ - ۶۶۴۸۹۳۴۹-۰۲۱

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب- جنب سینما پارس- مجتمع تجاری پارس – طبقه اول

مرکز فروش: ۶۶۵۶۹۲۱۶ – ۰۲۱

مدیر فروش: ۵۵۰۸۵۸۹ - ۰۹۱۲

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر گروه تألیفی دکتر خلیلی است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

فرهنگ پرواژه انگلیسی– فارسی ایران ما

به سرپرستی

دکتر محمدرضا یاراحمدی

(عضو هیئت علمی دپارتمان زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد بروجرد)

و

زهره چگنی

(کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی)

مشاور: استاد منوچهر وفایی

(مدرس زبان انگلیسی دانشگاه آزاد بروجرد)

گردآوری بخش اصطلاحات مستندات رسانه تصویری: احمد شعبانی

(مهندس الکترونیک، مدرس زبان انگلیسی)

ویراستار علمی: زهره چگنی